

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال ششم، شماره دهم، بهار و تابستان ۱۳۹۳

جلوه‌های ادبیات پایداری در سروده‌های فرخی یزدی* (علمی- پژوهشی)

دکتر فاطمه مدرسی

استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه

فرشته رستمی

کارشناس ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه

چکیده

اوضاع خاص سیاسی و اجتماعی عصر مشروطه، سبب ظهور شاعرانی شد که مهم‌ترین مضامین شعری آنها، اشعار وطنی و مهم‌ترین دغدغه شان، مبارزه با نیروهای مستبد داخلی و خارجی بود که استقلال و آزادی کشور را به مخاطره می‌افکندند. یکی از این شاعران بنام آزادخواه، فرخی یزدی است که اشعارش آکنده از اندیشه‌های وطن پرستانه است. این پژوهش بر آن است تا با روش تحلیلی- توصیفی به ترسیم و بررسی جلوه‌های گوناگون ادب پایداری در اشعار فرخی یزدی بپردازد. برآیند تحقیق نشان از آن دارد که دیوان فرخی یزدی را مضامینی چون: بیان دردها و رنج‌های مردم ستمدیده و ترسیم چهره حقیقی آنها، بیان جنایت‌ها و بیدادگری‌های مستبدان داخلی و خارجی، ستایش آزادی و آزادگی، القای امید به آینده و ستایش شهیدان راه آزادی، دعوت به مبارزه و ایستادگی و در نهایت غم وطن، با یادکرد از قهرمانان ملی و مذهبی تشکیل می‌دهد که هر یک از این موارد با ویژگی‌ها و مختصات خاص خود، نشان‌دهنده جلوه‌هایی از ادب پایداری در اشعار فرخی یزدی می‌باشند.

واژه‌های کلیدی: فرخی یزدی، ادبیات پایداری، مردم، آزادی، استبداد،

ایستادگی، وطن.

۱- مقدمه

نگاهی به تاریخ پر فراز و نشیب ایران به خوبی نشان دهنده تحولات گسترده‌ای است که در پیکره سیاسی و اجتماعی این سرزمین دیرینه سال رخ داده و منجر به شکل‌گیری مقاومت‌های مردمی در برابر تجاوز اقوام بیگانه شده است. مقاومت‌هایی که شالوده فرهنگی آنها به تأثیر از جنگ‌های گوناگون به آثار ادبی ایرانیان راه یافته و منجر به خلق آثار ارزشمندی در قالب‌های متنوع و به منظور ایجاد و پاسداشت روحیه پایداری در میان مردم گشته است. با توجه به اهمیت جایگاه این گونه آثار در حفظ ارزش‌های قومی و ملی ایرانیان، همواره شاعران و صاحب‌نظران، از نظرگاه‌های متنوعی به ادب پایداری پرداخته و تعاریفی را از آن ارائه داده‌اند؛ چنانچه برخی از شاعران این عرصه، با تکیه برنگاهی فطرت‌گرایانه بر این باورند که «زبان و ادبیات پایداری، زبان و ادبیات زندگی است؛ نمی‌شود پایداری نکرد و زندگی کرد» (اسماعیلی، ۱۳۹۰: ۶۲، الف). همچنین برخی دیگر نیز، با توجه به عنصر تعهد در شعر، بر این باورند که: «ادبیات پایداری نوعی از ادبیات متعهد و ملتزم است که از طرف مردم و پیشروان فکری جامعه در برابر آنچه حیات معنوی و مادی آنها را تهدید می‌کند به وجود می‌آید» (بصیری، ۱۳۸۴: ۹۰). خاستگاه این نوع رویکرد به ادب پایداری را شاید بتوان به تأثیر برخی از جریان‌های ادبی غرب به ویژه جریان شعر متعهد و صدور نظریه سارتر (۱۹۴۶) نسبت داد: «ما می‌خواهیم در تغییر دادن جامعه‌ای که ما را در میان گرفته است شرکت کنیم. ما می‌خواهیم ادبیات، وظیفه اجتماعی خود را که هرگز نباید فرو می‌گذاشت، دوباره به عهده گیرد» (نجفی، ۱۳۵۶: ۵۴ و ۵۵). و در نهایت دسته‌ای دیگر نیز، با رویکردی سیاسی-اجتماعی و با تکیه بر رابطه نظام حاکم و مردم، ادب پایداری را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «شعر مقاومت به مفهوم عام کلمه به شعری اطلاق می‌شود که صرف نظر از قلمروهای ایدئولوژیک به ستایش حرکت‌های جمعی مردم برای رسیدن به آرمان‌هایی که حکومت‌ها مانع تحقق آنها شده‌اند، می‌پردازد. بر اساس این تعریف، شعر

مقاومت پیش از آنکه ریشه در قلمروهای دینی و مذهبی داشته باشد، نسب خود را به اعتقادات سیاسی می‌رساند» (اسماعیلی، ۱۳۹۰: ۷۷، الف). خاستگاه این نوع از توجه به ادب پایداری را نیز شاید بتوان از عصر مشروطه به بعد دانست، «ادب پایداری به آن مفهومی که امروزه بیشتر مورد نظر دانشمندان علوم اجتماعی و ادبی قرار دارد، همان مفهوم مبارزات سیاسی و اجتماعی مردم ضد ظلم و بیدادگری است که در ادبیات ایران سرآغاز آن را از دوره مشروطیت دانسته‌اند» (کریمی لاریمی، ۱۳۸۹: ۲۲۹).

الف- انواع ادب پایداری در ایران

با توجه به گستره حدود ادبیات پایداری و پیشینه آن در ادبیات ایران، می‌توان انواع برشمرده شده برای این نوع ادبی در جهان را با انواع ادب پایداری در ایران نیز منطبق دانست.

۱) ادبیات مقاومت دینی و آیینی: «یکی از جلوه‌های ادبیات پایداری ایران، اشعار آیینی است که با الهام از آیات قرآن کریم، احادیث و روایات سروده شده‌اند و در نهاد این آثار دعوت به عدالت، ستم ستیزی، کرامت و عزت انسان، قدر دانستن نعمت آزادی و بسیاری از ارزش‌ها موج می‌زند» (اسماعیلی، ۱۳۹۰: ۱۰۶، الف).

۲) ادبیات مقاومت ملی- میهنی: این نوع ادبی «تحت تأثیر شرایطی چون اختناق و استبداد داخلی، نبود آزادی‌های فردی و اجتماعی، قانون‌گریزی و قانون ستیزی با پایگاه‌های قدرت، غصب قدرت و سرزمین و سرمایه‌های ملی و فردی و... شکل می‌گیرند» (سنگری، ۱۳۸۶: ۶).

۳) ادبیات مقاومت انسانی- جهانی: در این نوع از ادبیات، جهان وطنی جای سرزمین بومی و مادری را گرفته و آرمان‌های ایدئولوژیک مشترک میان تمامی ملت‌ها، جایگزین آرمان‌های ایدئولوژیک فرقه خاصی می‌شود. چنانچه در

اشعار بسیاری از شاعران باورمند مسلمان گاه، جهان وطنی، جای خود را به امت واحده اسلامی می دهد.

ب- مهم‌ترین مؤلفه های ادب پایداری در ایران

در یک نگاه کلی می توان مهم‌ترین شاخصه ها و مؤلفه های ادبیات پایداری ایران را در ارتباطی معنا دار با عناصری چون: «دعوت به مبارزه، ترسیم چهره بیدادگری، ستایش آزادی و آزادگی، بازنمایی افق‌های روشن پیروزی، انعکاس مظلومیت مردم، بزرگداشت شهدای راه آزادی» (سجودی، ۱۳۸۵: ۱۵۸) دانست. این مؤلفه ها در دوران ادب معاصر ایران به دلیل بروز تحولات چشمگیری که در عرصه سیاسی و اجتماعی کشور رخ داد، بیش از پیش مورد توجه شاعران و نویسندگان قرار گرفت؛ چنانچه «یکی از تقسیم بندی های شعر مقاومت معاصر فارسی، تفکیک آن به دوران مشروطیت، عصر پهلوی و دوره انقلاب اسلامی و روزگار پس از آن است» (محسنی نیا، ۱۳۸۸: ۱۴۸). در میان دوره های مطرح شده، عصر مشروطه به دلیل آنکه آغازگر تحولات نوینی در عرصه سیاسی و اجتماعی و به تبع آن تغییراتی در حوزه فرهنگ و ادبیات کشور همچون دموکراسی بود، همواره از اهمیت خاصی برخوردار گردیده است. «مفهوم دموکراسی که حق آزادی بیان و مطبوعات را محترم می شمرد، ادبیات این دوره، خصوصاً شعر را تحت تأثیر خود قرار داد» (آزند، ۱۳۶۳: ۱۹۵). این تحولات عظیم انقلابی، سبب ظهور شاعران مبارزه جویی چون فرخی یزدی در عرصه شعر و شاعری گشت. فرخی یزدی که یکی از شاعران برجسته عصر مشروطه و از مبارزان بزرگ راه آزادی و استقلال طلبی ایران است، سروده های خود را به صورت آینه تمام نمای پیکار و ایستادگی در برابر ستمگری و خودکامگی مستبدان وطن فروش و بیگانگان متجاوز قرار داد که دست تعدی به سوی حقوق مردمان ایران زمین دراز کردند؛ به گونه ای که می توان گفت عمده ترین مضامین اشعار فرخی، ستایش آزادی و آزادگی و استبداد ستیزی است. مضامینی که هر چند در اغلب موارد با قالب غزل و با رنگ بوی اشعار غنایی و نه حماسی سروده شده اند اما به خوبی از عهده ادای مقصود بر آمده و در نوع خود از

زیباترین نمونه های اشعار ادبیات پایداری محسوب می شوند. «علاوه بر نوع حماسی، ادب پایداری در نوع غنایی نیز کاربرد دارد. غنا تنها در عواطف عاشقانه خلاصه نمی شود... از احساسات دینی و میهن پرستی گرفته تا حیرت و عشق و کینه و تحسر و بیان غم های درونی و...» (کاکایی، ۱۳۸۰: ۳۹). در باب شیوه شاعری فرخی نیز، می توان گفت که او در غزلیاتش «پیش از همه به سعدی، حافظ و مسعود سعد سلمان گرایش پیدا کرد» (مسرت، ۱۳۸۴: ۵۴).

۱-۱- بیان مسئله

۱- با توجه به اهمیت عناصر دین، ملیت و اندیشه های روشنفکرانه در شکل گیری بن مایه ادبیات پایداری در اشعار فرخی یزدی، نقش کدام یک از این عناصر در اشعار این شاعر پررنگ تر است؟

۱-۲- ضرورت و اهمیت تحقیق

فرخی یزدی یکی از شاعران برجسته و تأثیر گذار ادب پایداری ایران به ویژه در عصر مشروطه است که اشعارش از نظر ادب پایداری کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ از این رو سعی بر آن شده تا در این پژوهش با بررسی مضامین اشعار فرخی، به روشنگری در باب مهم ترین مؤلفه های ادب پایداری در اشعار این شاعر گرانقدر پرداخته شود.

۱-۳- پیشینه تحقیق

پرداختن به ادبیات پایداری به صورت یک گونه ادبی مستقل در ایران سابقه چندانی ندارد و سابقه آن به چند دهه اخیر می رسد. از پژوهش های که به ویژه پس از انقلاب اسلامی در این زمینه صورت گرفته می توان به آثاری چون: آشنایی با ادبیات مقاومت جهان از ضیاءالدین ترابی، پرسه در سایه خورشید از محمد رضا سنگری، بررسی تطبیقی ادبیات پایداری از عبدالجبار کاکایی ... و در باب اشعار فرخی یزدی به کتبی چون: دیوان فرخی یزدی از حسین مگی و پیشوای آزادی از حسین مسرت اشاره کرد.

۲- بحث و بررسی

برخی از صاحب نظران بر این باورند که جنبه‌های دینی در مقایسه با جنبه‌های ملی در شعر شاعران عصر مشروطه از نمود کمرنگ‌تری برخوردارند؛ «تفاوت شعر مقاومت در عهد مشروطه با شعر عصر انقلاب در نگاه ملی، صرف در مشروطه خواهی است. در شعر مشروطه نگاه ملی بر نگاه دینی و عالم انسانی و بی‌مرز غالب است؛ در حالی که در شعر پس از انقلاب اسلامی، این نگاه به سمت ارزش‌های دینی و انسانی گراییده است» (اسماعیلی، ۱۳۹۰: ۵۶، ب)؛ اما تأملی دقیق و آگاهانه در اشعار شاعران عصر مشروطه؛ به ویژه فرخی یزدی به خوبی این نکته را آشکار می‌سازد که عناصر دینی نیز، در کنار عناصر ملی و انسانی در اشعار این شاعر به صورت گسترده‌ای به کار رفته‌اند. که این نکته خود نشان‌دهنده توجه همزمان شاعر به تمام وجوه ادب پایداری از جنبه‌های مختلف دینی، ملی و انسانی در اشعارش می‌باشد؛ به گونه‌ای که می‌توان مهم‌ترین جلوه‌های ادب پایداری در اشعار او را تحت عناوینی چون: ۱- بیان دردها و رنج‌های مردم ستمدیده و ترسیم چهره حقیقی آنها، ۲- بیان جنایت‌ها و بیدادگری‌های مستبدانه داخلی و خارجی، ۳- ستایش آزادی و آزادگی، ۴- دعوت به مبارزه و ایستایی، ۵- ستایش سرزمین ایران و قهرمانان ملی و مذهبی، ۶- القای امید به آینده و ستایش شهیدان راه آزادی، مورد بحث و بررسی قرار داد.

۱-۲- بیان دردهای مردم ستمدیده و ترسیم چهره حقیقی آنها

دوران حیات ۵۴ ساله فرخی یزدی، سرشار از وقایع مهم و تحولات چشمگیری چون به مسند نشستن پنج شاه ایران: «ناصرالدین شاه، مظفرالدین شاه، محمد علی شاه، احمد شاه و رضا شاه در ایران است» (مسرت، ۱۳۸۴: ۳۱). این تحولات همواره، تأثیرات شگرفی بر ذهن تیزبین و نکته‌سنج فرخی داشت؛ به گونه‌ای که او از دقت نظر در احوالات سیاسی کشور دریافته بود که هر چند، یاره شاهی پیوسته در میان سلطه‌گران و قدرت‌طلبان مدعی، دست به دست می‌گردد؛ اما سهم مردم عادی و رعیت فقیر از این تبادل قدرت، همواره فقر و تنگدستی و سیه‌روزی است. فقری که ریشه در ظلم حاکمان و اشراف زادگان مرفه بر قشر فرودست جامعه دارد؛ از این رو فرخی که خود از طبقه رنجبر و فرودست جامعه

بود، سعی خود را بر آن معطوف داشت تا در گام نخست مبارزات خود با ترسیم چهره درد کشیده مردم رنجبر در اشعارش و افشای ستم و تبعیضاتی که طبقه مرفه بر آنها روا داشته؛ به حمایت از توده زحمت کش و آسیب پذیر جامعه پردازد. از این رو در جای جای سروده های او توصیفات بسیاری از فقر و تنگدستی و غم و اندوه مردم فرودست ایران به چشم می خورد.

این کشور ویرانه که ایران بودش نام

از ظلم یکی خانه آباد ندارد

دلها همه گردیده خراب از غم و اندوه

جز بوم در این بوم دل شاد ندارد

(فرخی، ۱۳۶۶: ۱۲۲)

فرخی، حال رقت بار مردمان ایران را چون حال بردگان قربانی ای می دید که حضورشان در روز جشن و عزا، جز برای بهره مندی اشراف زادگان نیست.

جشن و ماتم پیش ما باشند یکی چون بره را

روزگار جشن و ماتم هر دو قربانی کنند

(همان: ۱۱۸)

۲-۲ - بیان بیدادگری های مستبدان داخلی و خارجی

دخالت کشورهای روس و انگلیس در امور داخلی کشور ایران و چپاول سرمایه های ملی آن، که از زمان جنگ جهانی اول روند معمولی یافته بود، در زمان پادشاهی ناصرالدین شاه قاجار با انعقاد قراردادهای تجاری گوناگون رونقی تازه گرفت؛ به گونه ای که چندین قرار داد تجاری و سیاسی میان ایران و دول خارجی با واگذاری امتیازات بسیاری به آنان بسته شد و کشور ایران، عرصه رقابت تنگاتنگی میان دولت های بیگانه و سودجویان و خائنین داخلی بر سر غارت سرمایه های ملی گشت. در حالی که دول خارجی بر سر دست یابی به منافع خود در ایران به رقابت با یکدیگر برخاسته بودند، شاه و دولتمردان ایرانی، نیز، به جای حفظ منافع ملی کشور از دست برد غارت و تعدی بر سر واگذاری این امتیازات به بیگانگان در جهت تأمین منافع شخصی و پرداخت هزینه ریخت و

پاش‌های بی‌حد و اندازشان، گوی سبقت را از یکدیگر می‌ربودند. در چنین وضعیتی سکوت و سازش، برای شاعر عدالت‌جویی چون فرخی به هیچ وجه امری مقدور نبود؛ از این رو او با نشانه گرفتن پیکان برنده قلمش به سوی مستبدان و افشای هویت واقعی آنان به دفاع از حقوق پامال شده مردم ایران برخاست. چنانچه او در سروده زیر بر این دزدان که در کسوت پاسبانان، سرمایه‌های ملی ایرانیان را بر باد می‌دادند تاخت و با افشاگری جنایات آنان، مردم را به ایستایی در برابر آنان ترغیب می‌نمود.

بدبختی ما تنها از خارجه چون نبود

هر شکوه که ما داریم از داخله باید کرد

با جامه مستحفظ در قافله دزدانند

این راهزنان را طرد از قافله باید کرد

(همان، ص ۱۱۹)

او همچنین، از نفوذ اشراف زادگان در تمام امور کشوری و حتی در میان وکلای مجلس که در حقیقت باید مدافع حقوق از دست رفته مردم باشند، انتقاد می‌کرد و این وضعیت را نتیجه نبود عدالت در دستگاه حکومتی می‌پنداشت.

هیچ چیزی نیست کاندرا قبضه اشراف نیست

گر وکالت هم فتد در چنگشان انصاف نیست

(همان: ۱۰۹)

یکی دیگر از نمونه‌های جنایات داخلی که فرخی در سروده‌هایش به مخالفت شدید با آن می‌پرداخت، انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ و ثوق الدوله است. این قرارداد که به بهانه کمک به ایران در حفظ تمامیت ارضی کشورش از سوی انگلیسی‌ها و در زمان احمد شاه قاجار با میانجی‌گری و ثوق الدوله، میان ایران و انگلستان به صورت پنهانی منعقد شد؛ بستر ساز سیاست‌هایی بود که دولت انگلیس بعد از جنگ جهانی اول در صدد به اجرا در آوردن آنها در جهت تأمین منافع دولت بریتانیا بود. «این سیاست در صدد کاستن از تعهدات نظامی بریتانیا در خاورمیانه از یک سو و ایجاد زنجیره‌ای از دولت‌های نیرومند و وابسته از

مدیترانه تا فلات پامیر بود تا بتوانند در برابر نفوذ جریان کمونیسیم ایستادگی نمایند» (ملائی توانی، ۱۳۸۱: ۱۷۱)؛ هر چند که این قرار داد میان ایران و انگلستان منعقد شد؛ اما در نهایت به سبب تلاش های پی در پی روحانیون و روشنفکران وطن دوستی چون: مدرس، مصدق، فرخی و... در جهت مخالفت با شاه و آگاهی بخشی افکار عمومی، هرگز به مرحله عمل در نیامد. فرخی که در صف نخستین مخالفان این قرار داد بود، ضمن سرودن شعری به سرزنش بانیان انعقاد این قرار داد پرداخت و به کنایه و ثوق اللله را جانوسیاری نامید که با مکر و تزویر بیگانگان، همداستان گشته و بیم آن می رود به سبب خیانت او، سراسر مملکت ایران دستخوش ناآرامی و آشوب گردیده و از هر سو سیلی از خون روانه گردد.

آن دست دوستی که در اول نگار داد

با دشمنی به خون دل آخر نگار داد

دیدی که باغبان جفا پیشه عاقبت

بر باد آشیانه چندین هزار داد

می خواست که خون ز کشور دارا رود چو جوی

دستی که تیغ کید به جانوسیار داد

(همان: ۱۱۷)

فرخی افزون بر انتقاد از شاه و همراهانش، انگشت نقد و ایراد را بر دول خارجی چون بریتانیا که عامل ایجاد ناآرامی در کشور ایران بودند نیز می نهاد.

جز جفا کاری و بی رحمی و مظلوم کشی

شیوه و عادت دربار بریتانی نیست

(همان: ۱۱۰)

او همچنین از سردمداران دولت روس و عهد شکنی های آنان نیز انتقاد کرده و اعتماد و تکیه کردن بر آنان را هم امری غیر معقول دانسته است.

دشمن پی دشمنی کمر می بندد

بیگانه ره نفع و زیان می بندد

گر دعوی دوستی کند دولت روس

کی دوست به روی دوست در می بندد

(همان: ۲۳۶)

۲-۳- ستایش آزادی و آزادگی

مضمون آزادی، یکی از مضامین مهم و اساسی در ادبیات پایداری ایران و جهان است که نقش عمده‌ای در شکل‌گیری نهضت‌ها و جنبش‌های مردمی داشته است. «کلمه آزادی در فرهنگ سنتی گذشته دو معنی عمده داشته، در مفهوم فلسفی و کلامی آن مرادف بود با حریت و اختیار، که مفهوم نقیض جبر را به یاد می‌آورد و در معنای فردی و عرفی آن در برابر بند و زندان قرار می‌گرفت» (یاحقی، ۱۲۸۵: ۱۶).

در سروده‌های شاعر وطن‌دوستی چون فرخی، مضمون آزادی، هم در معنای حریت و آزادگی و هم در معنای رهایی از بند و زندان مورد توجه بوده؛ چنانچه در بیت زیر شاعر به ستایش صفت آزادگی و حریت، خود پرداخته است.

همین بس است ز آزادگی نشانه ما

که زیر بار فلک هم نرفته شانه ما

(همان: ۸۷)

فرخی، افزون بر کاربرد صفت آزادگی که یکی از مصادیق آزادی در سروده‌های اوست؛ با در نظر گرفتن آزادی در مفهوم ضد اسارت و بندگی نیز، در اغلب سروده‌های خود به ستایش مقام آزادی و استقلال برای ایرانیان دست‌یازیده؛ تا جایی که رسالت بزرگ خود را در زندگی، چیزی جز رساندن هموطنانش به آزادی و رهایی آنان از قید ستم مستبدان نمی‌داند؛ البته شاعر به نیکی آگاه بود که دشمنان راه آزادی نیز، دست روی دست نخواهند گذاشت و به مواجهه با او در عرصه پیکاری خونین برخوانند خاست.

آن زمان که بنهادم سر به پای آزادی

دست خود ز جان شستم از برای آزادی

تا مگر به دست آرم دامن وصالش را

می روم به پای سر در قفای آزادی...

(فرخی، ۱۳۶۳: ۱۷۷)

۲-۴- القای امید به آینده و ستایش شهیدان راه آزادی

افزون بر ستایش آزادی، یکی دیگر از جلوه های مهم ادبیات پایداری در اشعار فرخی یزدی، القای امید به آینده و ستایش شهیدان راه آزادی است؛ چراکه فرخی به خوبی آگاه بود که مردم ایران به سبب به دوش کشیدن بارهای گران رنج و سختی هر روزه در این سرزمین، دیگر قادر به امیدورزی به روزهای خوش آینده نیستند؛ از این رو شاعر ضمن ابراز همدردی با آنها، روزهایی سرشار از بهرورزی را نوید می داد که در آن روز، آه جان سوز مظلومان، دودمان ظلم و ستم مستبدان را خواهد سوزاند و از هر قطره ای که از خون پاک شهیدان راه آزادی بر زمین ریخته شود، دریایی از خون به خروش خواهد آمد.

زهری که سرمایه به دم داشت توانگر

در کام فقیران به دم بازپسین ریخت

هر قطره شود بحری و آید به تلاطم

این خون شهیدان که به نزهتگه چین ریخت

(همان: ۹۹)

فرخی، برای القای بهتر امید در دل هموطنانش، پیوسته به آنها یادآور می شود که خود او نیز، همواره در راه آزادی ایران، دوشادوش مردم در صف مبارزاتشان می ایستد و به آنها بشارت می دهد که با امید به آینده و ایستادگی، راه درازی تا سرمنزله مقصود باقی نخواهد ماند.

هر سر به هوای سر و سامانی و ما را

در دل بجز آزادی ایران هوسی نیست...

در راه طلب فرخی ار خسته نگردید

دانست که تا منزل مقصود بسی نیست

(همان: ۹۸)

۲-۵- دعوت به مبارزه و ایستادگی

از دیگر جلوه‌های مهم ادبیات پایداری در اشعار فرخی یزدی، دعوت به مبارزه بر علیه نیروهای استبدادگر و ایستادگی در برابر ظلم آنان با کمک گرفتن از عناصری چون: ارتقای سطح آگاهی مردم، دعوت به وحدت و بیم از نفاق و جدایی، تقویت روحیه شجاعت و دلاوری و در نهایت با تکیه بر تمامی ارزش‌های دینی و فرهنگی سعی در فراهم آوردن زمینه لازم برای دعوت مردم به میدان پیکار حق علیه باطل را فراهم می‌ساخت.

۲-۵- ارتقای سطح آگاهی مردم

نخستین گام فرخی در جهت ارتقای سطح آگاهی مردم، تشویق آنها به خردورزی از راه ستایش دانایی و دانایان است؛ چنانچه در سروده ذیل شاعر به صراحت از مقام خردمندان تجلیل کرده و نبود آنان را در میان مردمان یک ملت، از موجبات گمنامی آن ملت دانسته است.

در دفتر زمانه فتد نامش از قلم

هر ملتی که مردم صاحب قلم نداشت

(همان: ۹۶)

انتشار حقایق روز جامعه در مطبوعات چون روزنامه توفان نیز از دیگر راه‌هایی بود که فرخی با توسل به آنها در صدد بالا بردن سطح آگاهی مردم زمان خود برمی‌آمد.

نیش‌های نامه توفان به قلب خائنین

راست پنداری که کار زخم کاری می‌کند

نو ک کلک حق نویس تیز و تند فرخی

با طرفداران خارج ذوالفقاری می‌کند

(همان: ۱۳۹)

افزون بر این موارد شاعر با نكوهش نادانی نیز سعی در آگاهی دادن به مردم می‌نماید. چنانچه در سروده زیر به صراحت به سرزنش نادانی مردمان عامی و کم‌خردی پرداخته که از فرط ساده دلی، رأی‌هایی را که سرنوشت استقلال و آزادی خود و کشورشان در گرو آنها بوده؛ را به بهای اندکی فروختند.

رأی خود را ز خریّت به پیشیزی بفروخت

بس که این گاو و خر از قیمت خود بی خبر

است

(همان: ۱۰۱)

۲-۵-۲- دعوت به وحدت و بیم از نفاق و جدایی

اقشار روشنفکر جامعه عصر مشروطه چون روحانیون و تحصیلکردگان، می دانستند که راه برون رفت کشور از وضعیت نابسامان داخلی، چیزی جز اتحادی یکپارچه در میان ایرانیان و وحدت نظر همگانی نیست. وحدتی که در سایه آن مردم جامعه بتوانند در تعاملی سازنده به سطحی از مطالبات اجتماعی خود دست یابند. گفتنی است که «وحدت اجتماعی شکلی از روابط اجتماعی است که در آن جو غالب، تعاون و همکاری است و اگر رقابتی هم وجود دارد، این رقابت اغلب سازنده است» (علی بابایی، ۱۳۸۳: ۱۸)، هر چند که دست یابی به این سطح از وحدت برای شاعران آزادیخواهی چون فرخی، آرمانی بزرگ بود، اما رسیدن به این آرمان در شرایط سیاسی و اجتماعی آن عصر، کار چندان آسان و احتمالی نبود؛ با این حال شرایط زمان، هرگز فرخی را وادار به عقب نشینی نکرد. او در اغلب سروده هایش با زبانی آتشین به افشای ریاکاریهای عوامل نفاق پرداخت و با برحذر داشتن مردم از به دام افتادن در دام تزویر آنها، زمینه اتحاد مردم را بیش از پیش فراهم می ساخت؛ چنانچه در سروده زیر شاعر نفوذ انقلابیون ریایی در صف مبارزان ملی و ایجاد چند دستگی در میان مردم را از جمله عوامل مهم، در بی ثمری انقلاب مشروطه دانسته است.

از انقلاب ناقص ما بود کاملاً

دیدیم اگرچه نتیجه معکوس انقلاب

سالوس انقلاب ما اهل زرق بود

یاران حذر کنید ز سالوس انقلاب

(همان: ۹۳)

۲-۵-۳- تقویت روحیه شجاعت و دلآوری

مطالعه و دقت نظر فرخی در آثار ادبی و تاریخی به خوبی او را بر این نکته واقف ساخته بود که فراخواندن مردم به مبارزه و ایستادگی در برابر دشمنان، بدون ایجاد روحیه شجاعت و دلاوری در آنان، امری میسر نیست، از این رو فرخی با نظر به شیوه‌هایی که شعرای پیشین در تهییج مخاطبان خود و بالا بردن روحیه شجاعت و دلاوری در آنها به کار می‌بستند، دست به سرایش اشعاری با مضامین حماسی و تعلیمی زد و از این رهگذر سعی در ارتقای روحیه شجاعت و دلاوری در دل مردمان زمان خویش نمود.

در کف مردانگی شمشیر می باید گرفت

حق خود را از دهان شیر می باید گرفت

تا که استبداد سر در پای آزادی نهد

دست خود بر قبضه شمشیر می باید گرفت

(همان: ۹۳)

۲-۵-۴- تکیه بر ارزش‌های اسلامی

شرایط نابسامان مملکتی و وجود مشکلات عدیده، به مرور زمان، زمینه مساعدی را برای تزلزل ارزش‌های انسانی و باورهای اخلاقی در جامعه ایرانی فراهم آورده بود؛ چنانچه در داخل کشور، عده‌ای از رجال سیاسی که برای فراگیری علوم غربی به کشورهای اروپایی سفر کرده بودند؛ در آن کشورها به جای فراگیری دانش و انتقال آن به داخل کشور، با تأثیرگیری از فرهنگ فرنگی و تزریق ناآگاهانه آن به ایرانیان، که با تلاش‌های دول روس و انگلیس برای تضعیف فرهنگ بومی در ایران همزمان گشته بود، موجبات تزلزل فرهنگی و اخلاقی بسیاری را در کشور فراهم آوردند. این عوامل سبب گشت تا باورهای مذهبی در میان قشرهای از مردم روز به روز کمرنگ تر شده و بی هویتی و دین‌گریزی رو به گسترش نهد. در چنین شرایطی مردان وطن پرست و با درایتی چون فرخی یزدی، که به نیکی از خطرات افول ارزش‌های بومی و دینی در میان ایرانیان آگاهی داشتند، مسلمانان را به روی آوردن به ارزش‌های اصیل اسلامی به جهت تنگ کردن عرصه بر نفوذ فرهنگ‌های بیگانه به داخل کشور ترغیب

نمودند؛ از این رو نمونه های بسیاری از اشعار وطنی را در دیوان فرخی می توان دید که شاعر در آنها مردم را به تکیه کردن بر ارزش های اسلامی و پاسداشت آنها دعوت کرده است. سروده «ایران و اسلام» که در قالب «مربع ترکیب» سروده شده، یکی از بهترین نمونه های این اشعار است.

ای وطن پرور ایرانی اسلام پرست

همتی زان که وطن رفت چو اسلام زدست

بیرق ایران از خصم جفا جو شده پست

دل پیغمبر را ظلم ستمکاران خست...

(همان: ۱۹۲)

۲-۶- غم وطن با یادکرد از قهرمانان ملی و مذهبی

یکی از دغدغه های مهم زندگی فرخی یزدی، بازگشت ایران به شکوه پیشین خود و دست یابی به استقلال و آزادی پایدار بود. از این رو شاعر با تکیه بر نقش جانفشانی ها و دلاوری های قهرمانان بزرگ در راه سرفرازی اسلام و ایران، سعی کرده تا از این رهگذر انگیزه های مبارزه در راه استقلال و آزادی کشور را در روح و روان مردم کشورش زنده نگاه دارد. در یک نگاه کلی می توان قهرمانان اشعارش را در دو دسته قهرمانان مذهبی و ملی، جای داد.

۲-۶-۱- قهرمانان مذهبی

یادکرد از قهرمان مذهبی و جان فشانی های آنان در راه اسلام در سروده های فرخی یزدی؛ به ویژه در مربعات و مسمطات او به صورت پررنگی دیده می شوند؛ به عنوان نمونه فرخی در سروده زیر با یادکرد از پیامبر اکرم (ص) و یاران وفادار او در صدد تجلیل و بزرگداشت از مقام و فداکاری های این بزرگان در راه پاسداشت اسلام و قرآن برآمده است.

حبذا روزی که اسلام طرفداری داشت

چون رسول مدنی سید و سالاری داشت

صدق صدیقی و فاروق فداکاری داشت

عمروزن مرحب کش حیدر کراری داشت

(همان: ۱۹۲)

فرخی، علاوه بر توجه به بزرگان صدر اسلام از دیگر قهرمانان مذهبی نیز در جهت ترغیب مخاطب خود برای توجه به ارزش‌های دینی بهره جسته است. نحوه به کارگیری این شخصیت‌ها نیز، اغلب به گونه‌ای است که یک قهرمان مذهبی در برابر یک ضد قهرمان قرار می‌گیرد تا به این شیوه، شاعر بتواند فضای رقابتی حاکم بر جامعه ایران را برای مخاطب خویش ملموس سازد؛ چنانچه در سروده زیر فرخی، تقابل دشمنان را با مردم ایران به صورت تقابل میان قارون که نماد پستی است با عیسی که نمادی بلندی و تعالی است، نشان می‌دهد.

یا چه قارون در حضيض خاک بگزینیم جای

یا چو عیسی مستقر بر اوج گردون می شویم

(همان: ۱۶۱)

در سروده زیر نیز شاعر با کاربرد شخصیت اسطوره‌ای جمشید - که «شخصیتی است هند و ایرانی با نام یمه در هند و نخستین کس از بی مرگان است که مرگ را برمی‌گزیند» (آموزگار، ۱۳۷۶: ۴۹) و تلفیق آن با شخصیت سلیمان که یکی از فرستادگان و پیامبران الهی است؛ با عنوان نماد قهرمان، در برابر یک شخصیت خیالی چون اهریمن به عنوان نماد ضد قهرمان در صدد ایجاد این تقابل بوده است. علت این تلفیق را در ادبیات تشابهاتی دانسته‌اند که «در سلطنت جم و احوالات او با زندگی و سلطنت سلیمان از قدرت و غلبه بر انسان و جن و سایر موجودات وجود داشته است» (ثعالبی، ۱۳۲۸: ۶) به هر روی جمشید یا سلیمان در این سروده به صورت شخصیتی مثبت و قهرمان و نمادی از مردم آزاده و مبارزه جوی ایرانی به کار گرفته شده که در نهایت بر ضد قهرمانی چون اهریمن یا دیو که نمادی از نیروهای بیگانه و مستبدان داخلی است غلبه خواهد کرد.

جانشین جم نشد اهریمن از جادوگری

چند روزی تکیه بر تخت سلیمان کرد و رفت

(همان: ۹۴)

۲-۶-۲- قهرمانان ملی

حضور قهرمانان ملی نیز، همچون قهرمانان مذهبی در سروده های فرخی بسیار پر رنگ است. این قهرمانان نیز حضور خود را اغلب در تقابل با یک ضد قهرمان نشان می دهند؛ به عنوان نمونه در سروده زیر فرخی با نگاهی به اسطوره ضحاک و قیام کاوه آهنگر بر علیه او، ضحاک را به عنوان نمادی از استبداد و ستم در مقابل کاوه که نمادی از آزادی خواهی و عدالت جویی است، قرار داده است.

خونریزی ضحاک در این ملک فزون گشت

کو کاوه که چرمی به سر چوب نماید

(همان: ۱۳۲)

فرخی از نماد ضحاک به وفور در اشعارش برای نشان دادن چهره حاکمان و قدرتمندان مستبد و ستمگر بهره می جوید و اغلب این شخصیت را در تقابل با شخصیت هایی مثبتی چون کاوه، فریدون، جم، پولاد و ... که نمادهایی از قهرمانان و آزادیخواهان عصر مشروطه هستند، قرار می دهد.

لطمه ضحاک استبداد ما را خسته کرد

با درفش کاویان روزی فریدون می شویم

(همان: ۱۶۰)

یکی دیگر از داستان های اسطوره ای که فرخی بر آن نظر دارد، داستان خیانت سودابه به سیاوش و فرار او به توران زمین و کشته شدنش به دست افراسیاب است. فرخی در سروده خویش، سیاوش را نمادی از شهیدان راه آزادی قرار می دهد که هرچند آنان چون سیاوش خونشان به ناحق بر زمین ریخته می شود؛ اما در نهایت دشمنان آنان نیز چون سودابه به سزای اعمال پلیدشان می رسند.

گواه دامن پاک سیاوش گشت چون آتش

فلک خاکستر غم بر سر سودابه می ریزد

(همان: ۱۳۶)

۳- نتیجه گیری

اوضاع خاص سیاسی و اجتماعی عصر مشروطه منجر به ظهور شاعرانی چون فرخی یزدی شد که مهم‌ترین مضامین شعری آنها، اشعار وطنی و مهم‌ترین دغدغه‌شان، رسیدن به استقلال و آزادی ایران بود. از این رو جلوه‌های گوناگون ادب پایداری آیینی (اسلامی)، ملی و انسانی را چون ترسیم چهره درد کشیده مردم رنجبر، بیان جنایات مستبدان داخلی و خارجی و شرح خیانت‌های آنان به مملکت ایران، ستایش آزادی و شهدای آن و القای امید به آینده، دعوت به مبارزه با یاری گرفتن از عناصری چون ارتقای سطح آگاهی مردم، دعوت به وحدت و بیم از نفاق و جدایی، تقویت روحیه شجاعت و دلاوری، و در نهایت تکیه بر ارزش‌های دینی و ملی با قهرمان پروری و قرار دادن شخصیت‌های برجسته ملی - مذهبی در برابر شخصیت‌های ضد قهرمان را در اشعار فرخی یزدی دید که شاعر با یاری جستن از این عناصر می‌کوشد تا فضای مبارزه را برای مخاطبان شعر خویش ملموس ساخته و از این رهگذر آنان را به پایداری در برابر تمامی عوامل ظلم و استبداد ترغیب و تشویق سازد.

فهرست منابع

۱. آژند، یعقوب. (۱۳۶۳)، **ادبیات نوین ایران**، چاپ اول، تهران، نشر امیر کبیر.
۲. آموزگار، ژاله. (۱۳۷۴)، **تاریخ اساطیری ایران**، چاپ دوم، تهران، نشر لیلی.
۳. اسماعیلی، رضا. (۱۳۹۰)، **از پایداری تا پرواز (گفت و گو با شاعران)**، چاپ دوم، انتشارات روایت فتح. (الف)
۴. اسماعیلی، رضا. (۱۳۹۰)، **از واژه تا فریاد (گفت و گو با شاعران)**، چاپ دوم، انتشارات روایت فتح. (ب)
۵. ترابی، ضیاء‌الدین. (۱۳۸۹)، **آشنایی با ادبیات مقاومت جهان**، تهران، بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس.
۶. ثعالی، ابومنصور (۱۳۲۸). **در شرح احوال تاریخ سلاطین ایران**، ترجمه محمود هدایت، تهران چاپخانه مجلس.
۷. سنگری، محمد رضا. (۱۳۸۶)، **پرسه در سایه خورشید**، چاپ دوم، لوح زرین.
۸. کاکایی، عبدالجبار. (۱۳۸۰)، **بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان**، چاپ اول، انتشارات پالیزان.

۹. علی بابایی، یحیی. (۱۳۸۳)، **عوامل مؤثر بر وحدت نخبگان**، چاپ اول، تهران، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی.
۱۰. ملائی توانی، علیرضا. (۱۳۸۱)، **مشروطه و جمهوری**، چاپ اول، تهران، انتشارات گستره.
۱۱. مکی، حسین. (۱۳۶۶)، **دیوان فرخی یزدی**، چاپ هفتم، تهران، چاپخانه سپهر.
۱۲. مسرت، حسین. (۱۳۸۴)، **پیشوای آزادی**، چاپ اول، تهران، رهنما.
۱۳. نجفی، ابوالحسن. (۱۳۵۶)، **وظیفه ادبیات**، جلد اول، تهران: کتاب زمان.
۱۴. یاحقی، محمد جعفر. (۱۳۸۵)، **جویبار لحظه ها**، چاپ هشتم، تهران، جامی.

مقالات

۱۵. بصیری، صادق. (۱۳۸۴)، **طرح و توضیح چند سؤال درباره مبانی ادبیات پایداری**، نشریه نامه پایداری، سال اول، شماره اول.
۱۶. سجودی، فرزانه. (۱۳۸۵)، «**ساختار شعر پایداری**»، فرهنگ و هنر، شماره ۱۰.
۱۷. کریمی لاریمی، رضا. (۱۳۸۹)، **سیر تحلیلی ادبیات پایداری از گذشته تا کنون**، مجموعه مقالات فرهنگ عاشورایی و ادب، قم: یاس نبی. ص ۲۹-۲۳۰.
۱۸. محسنی نیا، ناصر. (۱۳۸۸)، **مبانی ادبیات مقاومت معاصر ایران و عرب**، نشریه ادبیات پایداری، سال اول، شماره اول (پاییز)، کرمان صص ۱۴۳-۱۵۸.